انتظامی

پلیس به ۳ ماه فرار قاتل پایان داد

رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان از دستگیری قاتل یک جوان اصفهانی پس از ۳ ماه زندگی مخفیانه خبر داد. به‌گفته سرهنگ حسین ترکیان، متهم بر سر اختلافات قبلی جوانی ۲۰ ساله را به قتل رسانده و در یکی از شهرهای اصفهان مخفی شده بود که دستگیر شد.

نجات

نجات ۸۲۷ نفر از غرق شدن

مدیرعامل جمعیت هلال احمر مازندران گفت: از آغاز اجرای طرح کاهش غریق در ساحل این استان، امدادگران این جمعیت و ناجیان غریق موفق شدند ۸۲۷ نفر را از خطر مرگ در دریا نجات دهند. به‌گفته غلامعلی فخاری تعداد افراد غرق شده در آب‌های ساحلی مازندران در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۵۰ درصد کاهش داشته است.

خارجی

اسرار قتل هولناک بانوی تپه‌های شنی

با گذشت ۴۹ سال از قتل نوعروس جوان در تنسی آمریکا که مطبوعات به او لقب بانوی تپه‌های شنی داده بودند، عامل جنایت پرده از اسرار این پرونده جنجالی برداشت.

به گزارش همشهری به نقل از ایندیپندنت، سال ۱۹۷۴، روث ماری تری، وقتی با همسرش به سفرماه عسل می‌رفت، هرگز تصور نمی‌کرد شیرین‌ترین سفر زندگی‌اش قرار است آخرین سفرش باشد. در ۲۶ جولای همان سال دختر ۱۲ ساله‌ای که به همراه پدر و مادرش به ساحل پراوینستاون رفته بود، بر بالای یک تپه شنی با دیدن جسد یک زن وحشت‌زده شد. زن جوان به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده و اعضای بدنش مثله شده و روی پتویی رها شده بودند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که چندین روز از قتل این زن می‌گذرد و طولی نکشید که هویت او مشخص شد. او روث ماری‌تری بود که به تازگی ازدواج کرده و در سفرماه عسل‌اش ناپدید شده بود.

ماموران نخست به سراغ همسر مقتول رفتند. او گفت: ما برای سفرماه عسل به تنسی رفتیم اما یک روز دعوایمان شد و همسرم از هتل بیرون رفت. فکر کردم برمی‌گردد اما هر چه دنبالش گشتم او را پیدا نکردم و بعد از آن دیگر او را ندیدم.

شوهر مقتول در حالی اظهار بی‌گناهی می‌کرد که پلیس نیز در ادامه تحقیقات هیچ شواهد و مدارکی علیه او پیدا نکرد. با این حال وی همچنان مظنون اصلی این پرونده به شمار می‌رفت.

قتل دردناک روث درماه عسل چنان جنجالی در مطبوعات آمریکا به راه انداخت که تا مدت‌ها مردم پیگیر این پرونده بودند و رسانه‌ها به مقتول لقب «بانوی تپه‌های شنی» دادند. حتی جمجمه وی تا مدت‌ها در پزشکی قانونی نگهداری می‌شد تا اینکه مدتی قبل جواز دفن آن صادر شد و پلیس برای حل این معما تحقیقات تازه‌ای را شروع کرد. مأموران بار دیگر سراغ همسر مقتول به نام گای راکول که حالا ۸۵ ساله بود رفتند و از او بازجویی کردند. این بار اما مرد سالخورده که از عذاب وجدان قتل همسرش خسته شده بود به این جنایت هولناک اعتراف کرد و گفت: من و روث به‌ماه عسل رفتیم. یک روز برای تفریح به ساحل رفته بودیم که بر سر مسئله‌ای دعوایمان شد. از دست او عصبانی شدم و با چوب ضربه‌ای به سرش زدم و اعضای بدنش را مثله کرده و بر بالای تپه‌ای شنی و دور از دید مردم رها کردم. با این اعتراف گای ۸۵ ساله، از سوی دادگاه به حبس ابد محکوم شد.

اصل ماجرا

توضیح رئیس پلیس تهران درباره فیلم جنجالی

انتشار کلیپ درگیری مسافرکش اینترنتی و یک زن در شبکه‌های اجتماعی، بازتاب گسترده‌ای داشت و به‌دنبال آن شایعات بسیاری درباره این درگیری منتشر شد که فرمانده انتظامی پایتخت دیروز درباره این فیلم توضیحاتی ارائه کرد و به شایعات پایان داد.

به گزارش همشهری، ۲ روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که جنجال زیادی به پا کرد. آنطور که فیلم نشان می‌داد راننده پراید سفید رنگی با مسافرش که زن جوانی است درگیر می‌شود. این درگیری یک دقیقه و ۱۰ ثانیه طول می‌کشد و سرانجام با میانجیگری عابران و رهگذران، دعوا خاتمه می‌یابد. انتشار این فیلم کوتاه بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی در پی داشت به‌طوری که دقایقی بعد از انتشار، بازار شایعات داغ شد و رسانه‌های معاند نیز به این شایعات دامن زدند. موضوعی که مطرح می‌شد این بود که راننده بر سر حجاب با مسافرش درگیر شده و او را مورد ضرب و شتم قرار داده بود. اما اصل ماجرا چیز دیگری بود که فرمانده انتظامی تهران دیروز درباره آن گفت: موضوع اختلاف و درگیری بین راننده و مسافر اینترنتی به‌گونه دیگری منتشر شده که صحت ندارد. آنطور که شایعه شده موضوع درگیری میان آنها را ربط داده‌اند به امر به معروف اما دعوای آنها به‌خاطر روشن کردن کولر ماشین بوده است.

فرمانده انتظامی تهران تصریح کرد: روز یکشنبه پنجم شهریورماه خانم جوانی از محل کار خود به سمت منزل درخواست خودرو اینترنتی کرد. خودرو به شماره پلاک مشخص در محل حاضر که مسافر درخواست کولر ماشین کرده و این موضوع باعث تنش لفظی و متعاقب آن درگیری فیزیکی میان راننده و مسافر شد. طرح شکایت خانم جوان در کلانتری ۱۲۷ نارمک ثبت و اقدامات قانونی در این خصوص آغاز شد. سردار محمدیان افزود: راننده خودروی اینترنتی که ۳۳ ساله است، دستگیر شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

در عملیات ۴۸ ساعته پلیس آگاهی تهران ۱۶۴ دزد حرفه‌ای دستگیر شدند

اعترافات عجیب سارقان نخبه

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

طرح تشدید برخورد با سارقان و مالخران در پایتخت ادامه دارد و در تازه‌ترین عملیات پلیسی، ۱۶۴ سارق حرفه‌ای دستگیر شدند؛ دزدانی از جمله ۲ جوان تحصیل کرده که می‌گویند نخبه هستند و قهرمان سابق یکی از ورزش‌های رزمی که کیف‌قاپی می‌کرد.

به گزارش همشهری، سردار عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس تهران دیروز در مقر پلیس آگاهی تهران و در جمع خبرنگاران حاضر شد تا از دستاوردهای تازه‌ترین طرح پلیس بگوید.

وی توضیح داد: اواخر سال گذشته بود که طرح برخورد با سارقان و مالخران به‌طور گسترده در پایتخت اجرا شد؛ طرحی که اجرای آن متوقف نشده و همچنان باقوت ادامه دارد؛ به‌طوری که همکاران من در پلیس آگاهی پس از مدت‌ها انجام کار اطلاعاتی و شناسایی موفق شدند در عملیاتی ۴۸ ساعته، ۱۶۴ سارق حرفه‌ای در سطح شهر تهران را دستگیر کنند.

فرمانده انتظامی تهران گفت: اموال زیادی از سارقان کشف شده است که هنوز آمار دقیقی از تمام اموال مسروقه درنیاورده‌ایم، اما بیش از یک‌هزار گوشی تلفن همراه هوشمند، اموال زیادی که مربوط به سرقت از منازل است، چندین دستگاه خودرو و موتورسیکلت مسروقه و... در این طرح کشف شده است. سردار محمدیان همچنین درباره نحوه شناسایی سارقان و رصد آنان نیز گفت: پلیس امروز به سیستم‌های متعدد برای رصد لحظه‌ای مجهز است و ما حتی از طریق شیوه و شگرد و تعداد افراد حاضر در یک سرقت، می‌توانیم باندهای فعال را شناسایی کنیم. اینها به‌دلیل اشراف و تسلط بالای پلیس روی مجرمان است.

رئیس پلیس تهران همچنین درباره سرقت از منزل نیز گفت: در ایام اربعین حسینی که ممکن است مردم به سفر بروند یا منازل خود را ترک کنند، تأکید ما پیشگیری از سرقت است و در این خصوص گشت‌های نامحسوس و محسوس در سطح محلات فعال هستند. فقط طی همین ۲۴ ساعت گذشته ۴ گروه از سارقان منازل هدف گلوله پلیس قرار گرفتند که اسنادش وجود دارد و آنها هم در حال درمان هستند. پلیس با هیچ خلافکاری تعارف ندارد.

۱ گفت‌وگو

دزدی؛ ۳۰ دقیقه بعد از آزادی

۲۴ سال بیشتر ندارد، اما سوابق زیادی در پرونده‌اش ثبت شده است. با وجود این سن کم خودش را یک خلافکار حرفه‌ای می‌داند و می‌گوید آخرین‌بار تنها ۳۰ دقیقه بعد از آزادی از زندان سرقت را از سر گرفته است.

با چه شگردی سرقت می‌کردی؟

من و دوستم موبایل‌قاپی می‌کردیم؛ با تهدید گاز اشک‌آور. با موتور در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و به محض شناسایی سوژه به سمتش هجوم می‌بردیم. سپس با تهدید گاز اشک‌آور موبایل را به سرقت می‌بردیم.

چرا با گاز اشک‌آور؟

چون هم مال باخته می‌ترسید و هم خطرش به‌مراتب از تهدید چاقو، قمه یا اسلحه کمتر است. همین که اسپری را به‌سمت طعمه می‌گرفتیم و می‌گفتیم اگر موبایلش را ندهد از اسپری استفاده می‌کنیم، طرف موبایلش را دودستی تقدیم ما می‌کرد.

چرا مثل بقیه زورگیرها از چاقو استفاده نمی‌کردید؟

ببینید من شیشه می‌کشم و دچار توهمات شدید هستم. اگر چاقو دستم بگیرم، قطعا مرتکب جنایت می‌شوم؛ چون هوش و حواس درست و حسابی ندارم. قبلا با یک باندی کار می‌کردم که از چاقو و قمه استفاده می‌کردند. آنها در جریان یکی از زورگیری‌هایشان مردی را تا یک قدمی مرگ پیش بردند؛ برای همین به چندین سال حبس محکوم شدند؛ به همین دلیل من جرأت نمی‌کردم دست به چاقو بزنم.

با گوشی‌های سرقتی چه می‌کردید؟

آنها را به مالخر می‌فروختیم، اما خب با قیمت خیلی پایین؛ مثلا گوشی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیونی را بین ۵ تا ۸ میلیون تومان می‌خریدند و گوشی‌های ۵۰ تا ۸۰ میلیونی را بین ۳ تا ۵ میلیون تومان.

چند وقت است که سرقت می‌کنید؟

حدود ۲ ماه. من ۲ ماه قبل بعد از ۹ سال حبس از زندان آزاد شدم، اما نیم‌ساعت بعد از آزادی، گوشی یک نفر را در خیابان قاپیدم و بعد سراغ بچه‌محل‌مان که او هم تازه از زندان آزاد شده بود، رفتم تا با هم سرقت کنیم.

با وجود این سن کم، چرا سوابق زیادی در پرونده‌ات ثبت شده است؟

برای اینکه از ۱۲ سالگی سارق شدم. ببینید قبل از آن یا فال می‌فروختم یا گدایی می‌کردم. بعد با دوستم از راننده‌ها سرقت کردیم؛ یعنی سوار ماشین‌ها می‌شدیم و با تهدید چاقو زورگیری می‌کردیم. ۲، ۳ بار هم به جرم موبایل‌قاپی دستگیر شدم. به‌نظرم بهترین و آسان‌ترین راه، سرقت گوشی موبایل است. البته این نظر من است، شاید برای من این کار راحت‌تر باشد، اما برای یک سارق دیگر، سخت‌تر. بستگی به طرف دارد. من در یک چشم برهم زدن گوشی مدل بالا سرقت می‌کنم و یک ساعت بعد آن را تبدیل به پول می‌کنم.

چه کنیم که در دام شما سارقان گرفتار نشویم؟

اگر گوشی‌های گران‌قیمت می‌خرید، آنها را در معرض دید قرار ندهید؛ مثلا از هندزفری استفاده کنید. گوشی را به‌راحتی در دست‌تان نگیرید؛ حتی برای چند دقیقه. اگر داخل ماشین هستید، حتما شیشه را بالا بکشید. اگر کمی پایین باشد هم می‌شود سرقت کرد.

۲ گفت‌وگو

پیانیست سارق

ماموران پلیس آگاهی تهران در تازه‌ترین طرح پلیس مرد پیانیست و همسرش را به اتهام دستبرد به خانه همسایه‌شان دستگیر کردند. هرچند تمام شواهد نشان می‌دهد که این زوج جوان، سارق هستند، اما مرد جوان به عجیب‌ترین شکل ممکن سرقت را انکار می‌کند.

چرا به خانه همسایه‌تان دستبرد زده‌اید؟

ما سارق نیستیم. اشتباهی ما را گرفته‌اند.

اما رد گاوصندوقی که از خانه همسایه به سرقت برده‌اید، تا ورودی در خانه شما به‌دست آمده است؟

شاید سارق منزل برای رد گم کنی گاوصندوق را تا مقابل در خانه ما کشیده تا نشان بدهد من سارق هستم!

با همین سرنخ، پلیس به شما مشکوک و در بازرسی از فریزر خانه شما، بسته‌های گوشت و مرغی که متعلق به مال باخته است، کشف شده است؟

اینکه دلیل نمی‌شود؟ داخل فریزر هر خانه‌ای گوشت و مرغ وجود دارد؛ ضمن اینکه من سگ دارم و به‌خاطر سگم باید گوشت و مرغ زیادی بخرم.

اما روی بسته‌های گوشت، برچسبی وجود دارد که مال باخته (زن همسایه) با دستخط خودش نوشته است؟

ممکن است دستخطش شبیه به دستخط همسر من باشد! خب، همسر من هم پس از بسته‌بندی گوشت و مرغ روی آنها برچسب می‌زند!

در بازرسی از کیف همسرت هم مقداری از وسایل سرقتی مانند طلاهای زن همسایه کشف شده است. در این مورد چه می‌گویید؟

نمی‌دانم این وسایل داخل کیف همسرم چه می‌کند. شاید همسرم از زن همسایه طلاهایش را قرض گرفته است!

مواد، مصرف می‌کنی؟

نه من هنرمندم. آهنگسازم و پیانو هم می‌نوازم.

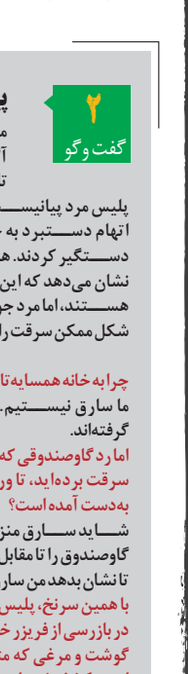

۳ گفت‌وگو

قهرمان کاراته دست کج!

در میان متهمانی که دستگیر شده‌اند، فرهاد یکی از تازه‌کارهاست که برای نخستین‌بار در زندگی‌اش مرتکب خلاف شده و به دام پلیس افتاده است می‌گوید قهرمان سابق کاراته است و به او لقب جنگجوترین کاراته‌کار را داده‌اند.

چه اتفاقی افتاد که قهرمان کاراته تبدیل به یک دزد حرفه‌ای شد؟

راستش ماجرای عجیبی در زندگی من رقم خورد که مرا تبدیل به سارق کرد. همه‌چیز از چند ماه قبل شروع شد؛ زمانی که با دختری آشنا شدم و برای تولدش قرار رفتن به کافه‌ای در مرکز شهر را گذاشتیم. وقتی دختر مورد علاقه‌ام رسید وحشت‌زده و هراسان بود. علتش را که پرسیدم گفت: در بین راه پسری مزاحمش شده و به زور گوشی موبایلش را گرفته و شماره خودش را ذخیره کرده است. او از دختر مورد علاقه‌ام خواسته بود تا با او تماس بگیرد و قرار ملاقات بگذارند. من گشتم مرد مزاحم را پیدا کردم و با وی قرار گذاشتم تا او را گوشمالی بدهم. آن روز چاقویی زیر گلویش گذاشتم و وی را تهدید به قتل کردم. بعد موبایلش را دزدیدم و عکس‌های شخصی وی را در فضای مجازی منتشر کردم تا دیگر مزاحم هیچ دختری نشود؛ همین اتفاق موجب شد تا تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شوم.

این موضوع چه ارتباطی به سارق شدنت داشت؟

نمی‌دانم نگار از این کار خوشم آمد. بیشتر به‌خاطر تفریح و هیجانش به ادامه این کار ترغیب شدم!

با چه شگردی سرقت می‌کردی؟

به رفیقم گفتم که می‌آیی برای سرگرمی برویم سرقت کنیم؟ او هم گفت: هستم. به این ترتیب راهی خیابان‌ها شدیم و اغلب پشت ترافیک و چراغ قرمزها، گوشی طعمه‌هایمان را به سرقت می‌بردیم. باور کنید نیاز مالی ندارم و صرفا برای سرگرمی و هیجان از نتیجه کار، دزدی می‌کردم. من ورزشکارم و مدرک قهرمانی دارم.

چه ورزشی؟

سال‌هاست در رشته کاراته فعالیت می‌کنم و چند مدال مختلف استانی دارم. یک‌بار در کشور هم قهرمان جهان شدم. چند سال قبل در کشور اسپانیا مقام گرفتم و به من لقب جنگجوترین کاراته‌کا را داده بودند، اما الان اینجام و دستبند اتهام بر دستانم است؛ در حالی که می‌خواستم درسم را ادامه بدهم و فضانورد شوم. می‌دانید یکی از رویاهای من رفتن به فضا و دیدن سیاره‌های منظومه شمسی است.

با گوشی‌های سرقتی چه می‌کردی؟

دوستم گوشی‌ها را می‌فروخت و من چون نیاز مالی ندارم، پولی نمی‌گرفتم.

چطور دستگیر شدی؟

آخرین طعمه ما یک بوکسور بود که با ما درگیر شد؛ هرچند من کاراته کارم، اما او مرا شکست داد و موجب شد تا دستگیر شویم.

۴ گفت‌وگو

سرقت‌های مرد مخترع

۲ مرد تحصیل کرده در میان متهمانی که دیروز دستگیر شده بودند به چشم می‌خورند؛ یکی از آنها مدرک مهندسی پزشکی از دانشگاهی در آلمان داشت و دیگری فوق‌لیسانس برنامه‌نویسی کامپیوتر. یکی از آنها ادعا می‌کرد مخترع است و دیگری خودش را نابغه می‌دانست، اما چه شد که این دو مرد تحصیل کرده و نابغه سر از دنیای تبهکاران درآوردند؟ گفت‌وگو با آنها را می‌خوانید.

ابتدا از انگیزه‌تان بگویید.

هردو می‌خندند و با هم می‌گویند: برای تفریح و سرگرمی. یکی از آنها که موهای بلندی دارد و اسمش مجید است، می‌گوید: می‌خواستم به‌خودم ثابت کنم که هرکاری از دستم برمی‌آید؛ هرکاری. با این هوش، ذکاوت و استعدادی که خدا به من داده، همه کاری می‌توانم انجام بدهم.

خب، چرا خلاف را انتخاب کردید؟

مجید: خب، کار خلاف هیجانش بیشتر است!

از شگردتان بگویید. با چه روشی کلاهبرداری می‌کردید؟

سامان که سنش از مجید کمتر است، می‌گوید: در سایت‌های فروش کالا، طعمه‌هایمان را شناسایی می‌کردیم. بعد با فروشنده تماس می‌گرفتیم و با آنها قرار می‌گذاشتیم. کالا را می‌گرفتیم؛ از گوشی موبایل گرفته تا وسایل برقی و بعد می‌گفتیم پول به حسابشان ریخته‌ایم و حتی پیامک واریز هم به طرف ارسال می‌شد و آنها با خیال راحت کالا را تحویلمان می‌دادند؛ درصورتی که هیچ پولی پرداخت نمی‌شد.

چطور این کار را می‌کردید؟

مجید که در آلمان درس خوانده پاسخ می‌دهد: من نخبه‌ام و یک هکر حرفه‌ای هستم. خودم این برنامه را نوشته‌ام. این برنامه را به تازگی نوشتم و تصمیم گرفتم از آن استفاده کنم تا ببینم کار می‌کند که کار کرد. از آنجا که من نخبه هستم تصمیم گرفتم برنامه‌ای بنویسم که به جای بانک مرکزی برای شخص پیامک ارسال می‌کرد. ببینید من سال‌ها قبل سایت یکی از بانک‌ها را هک کردم. من هر کاری می‌توانم انجام بدهم، مثلا کارت عابربانک شما را بگیرم و در یک چشم برهم زدن رمزش را ۴ صفر و حساب‌تان را خالی کنم!

پس استعداد زیادی در هکری دارید؟

مجید: یک بار یک سایت خارجی را هک کردم و توانستم ولتاژ گوشی یک فرد خارجی را بالا ببرم که گوشی‌اش ترکید! من سال‌ها در کشور آلمان زندگی کرده‌ام و در آنجا درس خوانده‌ام. نفر دوم هک در کشور آلمان شده‌ام. این استعدادی که دارم ارثی است؛ چون پدرم هم یکی از افراد بنام در یکی از رشته‌های پزشکی است. به اینجا که می‌رسد، سامان می‌گوید: پدر من هم کارخانه‌دار است، خانه‌ام بالای ۲۰ میلیارد تومان می‌ارزد و نیاز مالی ندارم. رضایت همه شاکیانم را می‌گیرم و به‌زودی آزاد می‌شوم. ما دست به هیچ وسیله‌ای که برداشته‌ایم نزده‌ایم و بخشی از آنها را تحویل مال‌باخته‌ها داده‌ایم.

اولین‌بار است که دستگیر می‌شوید؟

مجید: من سال‌ها قبل به جرم ورود به شبکه‌های بانکی بازداشت شدم و حتی روزنامه‌ها نیز خبرش را نوشته بودند، اما خب تبرئه شدم. حتی یادم هست زمانی که دستگاه‌های خودپرداز را نصب می‌کردند من تنها کسی بودم در ایران که متوجه عیوبش شدم و آنها را درست کردم، اما هیچ‌کس از من تشکر نکرد. حتی الان هم به‌جای اینکه بانک از ما بپرسد چه اشتباهی این وسط رخ داده که چنین پیامک‌هایی ارسال شده، ما را بازداشت کرده‌اند. من یک مخترعم که قدر مرا نمی‌دانند.

اختراعت چه بود؟

مجید: وسیله‌ای که در تجهیزات پزشکی به‌کار می‌رود.

با توجه به این استعدادی که دارید، تا حالا شده کسی به شما پیشنهاد پول بدهد و درخواست کند تا حساب کسی را هک کنید؟

سامان این سؤال را پاسخ می‌دهد: تا دلتان بخواهد، چنین پیشنهادهایی داشتیم. همین چند وقت قبل یکی از دوستانمان پیشنهاد پول زیادی داد و گفت موبایل دوست دخترش را هک کنم تا گوشی در دستش منفجر شود یا یک نفر پیشنهاد ۲ میلیارد تومان داد تا سایتی را برای او هک کنم، اما ما اصلا این کار را انجام نمی‌دهیم؛ چون ردپای هکر کاملا مشخص می‌شود و از سوی دیگر یک‌سری کارها حرفه‌ای نیست و غیراخلاقی است.

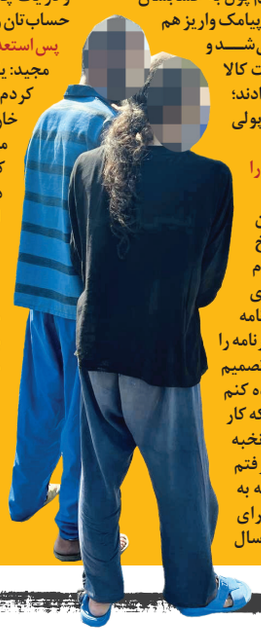

تقویم حوادث

۱۱ سال حبس برای قاچاقچی عتیقه

قاچاقچی بزرگ آثار فرهنگی و اشیای عتیقه کشور تنها به یازده سال حبس محکوم شد

در ۸ شهریور سال ۷۶ روزنامه اطلاعات خبر از محکوم شدن یک قاچاقچی بزرگ آثار فرهنگی و اشیای عتیقه داد. این قاچاقچی بزرگ با ۱۳ عنوان اتهامی از سوی دادگاه به تحمل ۱۱ سال زندان و پرداخت جریمه و شلاق محکوم شد.

روزنامه اطلاعات درباره این فرد نوشت: یک قاچاقچی بزرگ آثار فرهنگی و اشیای عتیقه کشور به اتهام اخلال در نظم و امنیت کشور با عضویت در شبکه قاچاق اشیای عتیقه، زیرخاکی، خرید و فروش آثار فرهنگی و انتقال به خارج از کشور، پرداخت رشوه و کلاهبرداری و کشف ۵۴ لول تریاک پس از محاکمه در دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۱۱ سال و یک‌ماه حبس، شلاق و جریمه محکوم شد.

به گزارش روابط عمومی دادگاه انقلاب اسلامی تهران، براساس گزارش واصله از وزارت اطلاعات در مورد شخصی به نام محمدرضا که از افراد بسیار فعال و مؤثر در امر قاچاق آثار فرهنگی و اشیای عتیقه است تحقیقاتی روی این موضوع انجام گرفت. پس از تحقیقات کامل توسط وزارت اطلاعات این شخص بازداشت شد. به هنگام دستگیری مقدار بسیار زیادی اشیای عتیقه و آثار فرهنگی مربوط به دوران‌های مختلف تاریخی از وی کشف و در تحقیقات از وی مشخص شد که حداقل تا زمان دستگیری به میزان ۶۰۰ میلیون ریال از این اشیا را به خارج از کشور انتقال داده است.

در طول بررسی پرونده محمدرضا معلوم شد که وی مرتکب جرائم دیگری مانند اخلال در نظم و امنیت کشور، برقراری ارتباط با سفارتخانه و اتباع بیگانه، اختفای اشیای نفیس و گرانبهای عتیقه، شروع به خرید سنگ تاریخی تخت جمشید، اشاعه فرهنگ ضداخلاقی، پرداخت رشوه به کارگزاران دولتی قبل از دستگیری، پرداخت رشوه به مأموران دولت، شرکت در مجالس عیاشی و استخدام یک فرد تبعه غیرمجاز بنگلادشی، کشف ۵۴ لول تریاک، ارتباط با عناصر و کانال‌های خروج غیرمجاز نیز شده است.

بنابراین پس از تکمیل پرونده و ارجاع آن به یکی از شعبه‌های دادگاه انقلاب اسلامی تهران در تاریخ دوازدهم اسفندماه ۷۵ محاکمه شد.

او به ۱۱ سال حبس و پرداخت ۹ میلیارد و ۵۱۵ میلیون جریمه نقدی و تحمل ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد.

ضمنا اتهام خرید سنگ تاریخی تخت جمشید و برقراری ارتباط با سفارتخانه‌ها و اتباع بیگانه محرز نشده و از این اتهام تبرئه شده است.

دانستنی‌های حقوقی

فرزند نام خانوادگی مادرش را می‌گیرد؟

شاید جالب باشد که بدانید در برخی موارد استثنایی و خاص که در قانون پیش‌بینی شده، مادر می‌تواند با نام خانوادگی خودش برای فرزند خود شناسنامه بگیرد و از او حمایت کند. محمد الماسی، وکیل پایه یک دادگستری در این‌باره به نکات مهمی اشاره می‌کند: «عقد ۲ نوع است، موقت و دائم؛ اگر این نوع عقدها در دفترخانه (محضر) به ثبت نرسیده باشد، برای گرفتن شناسنامه پدر و مادر، هر دو با هم باید برای گرفتن شناسنامه برای فرزند خود اقدام کنند.»

وی اضافه می‌کند: «در مواردی که پدر از این مسئولیت شانه خالی کرده و با همسرش همکاری نکند، مادر ابتدا باید دادخواستی با عنوان اثبات رابطه زوجیت به دادگاه ارائه کند و به نوعی ازدواج خود را در محضر قاضی به اثبات برساند، آن موقع می‌تواند با تقاضای الزام پدر به گرفتن شناسنامه، برای گرفتن شناسنامه برای فرزند خویش اقدام کند.»

وکیل پایه یک دادگستری این نکته را هم متذکر می‌شود که اگر در این مرحله نیزاقدامی از طرف پدربرای دریافت شناسنامه انجام نشود، مادر می‌تواند درخواست تعیین امین موقت کند که درواقع خودش خواهد بود، می‌تواند برای گرفتن شناسنامه برای فرزندش اقدام کند و دیگر نیازی به حضور همسرش نیست. الماسی، تأکید می‌کند: «درصورتی که ازدواج به ثبت نرسیده و موارد گفته شده نام خانوادگی مادر به فرزند داده می‌شود و صرفا نام کوچک پدر در شناسنامه درج می‌شود.» حال این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان برای فرزندی که پدرش معلوم نیست هم شناسنامه گرفت؟ وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ می‌گوید: «ممکن است فرزند خدای ناکرده در اثر رابطه نامشروع متولد شده باشد. در اینجا درست است که فرزند نامشروع‌زاده شده اما برای زندگی اجتماعی وی باید مقدمات آن فراهم آید و وظایف پدر و مادر در مورد این فرزند وجود دارد و باید نسبت به گرفتن شناسنامه اقدام کنند. اما اگر پدر اقدام نکرد مادر می‌تواند برای گرفتن شناسنامه اقدام کند و نام خانوادگی خود را به نوزاد بدهد. نکته مهم این است که فرزند نامشروع همه حقوق فرزند مشروع را دارد به جز اینکه از والدین خود ارث نمی‌برد.»